

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

پایه سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش نهایی

فضیلت ماه‌های رجب، شعبان، رمضان

ماه رجب، ماه بسیار عظیمی است و در سیر و سلوک معنوی و عرفانی جایگاه بسیار بلندی دارد و بزرگان طریقت برای این ماه ارزش بسیار بالایی قائلند. سه ماه پی‌درپی که با رجب‌المرجّب شروع می‌شود و به دنبال آن شعبان‌المعظم و در خاتمه رمضان‌المبارک، جلوه‌ی سه مرحله‌ی سلوک الی‌الله است. ماه رجب که به موجب برخی روایات ماه امیرالمؤمنین علیه السلام است و روز سیزدهم آن، میلاد حضرت است، به ماه تخلیه تعبیر شده است. تخلیه‌ی وجود و دل سالک الی‌الله از آنچه غیرخدایی است؛ از آنچه مورد پسند خداوند نیست؛ از رفتارهای ناپسند و خلقیات ناشایست، از روحیات نامطبوع و افکار و عقاید نادرست؛ و پاک شدن کعبه‌ی دل مؤمن از همه‌ی بت‌ها و همه‌ی تعلقات به ماسوی‌الله. همان‌طور که امیرالمؤمنین علیه السلام در واقعه‌ی فتح مکه به امر رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم پا بر شانه‌ی حضرت نهادند و بالا رفتند و کعبه‌ای را که بتکده بود، با ید ولایی و یداللّهی خود از وجود بت‌ها خالی کردند و همه‌ی بت‌های گوناگون را یکسره از کعبه بیرون ریختند، سالک الی‌الله در ماه رجب با استمداد از باطن ولایت علوی، کعبه‌ی دل خود را از همه‌ی بت‌ها خالی می‌کند و خانه‌ی دلش را جارو می‌کند؛ چون کعبه‌ی حقیقی دل

مؤمن است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسَكِّنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ»^۱: دل حرم خداست، پس در حرم خدا غیر خدا را جای مده. اصل خانه‌ی خدا دل مؤمن است و آن کعبه ماکتی است که از روی این خانه‌ی حقیقی خدا ساختند و در میان مسجدالحرام قرار دادند. خدای متعال در حدیث قدسی فرمودند: نه آسمان‌ها چنان وسعتی دارند که من در آن بگنجم و نه زمین؛ تنها جایی که در آن می‌گنجم قلب عبد مؤمن من است؛ پس دل مؤمن کعبه‌ی حقیقی است. امیرالمؤمنین علیه السلام کعبه‌ی ظاهری را پس از فتح مکه از وجود بت‌ها خالی کردند؛ به همین نحو سالک الی‌الله در ماه رجب که ماه امیرالمؤمنین علیه السلام است با استمداد از باطن ولایت علوی کعبه‌ی دل خود را از هر آنچه غیرخدایی است؛ از همه‌ی بت‌ها، همه‌ی وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها و تعلقات به غیر خدا پاک و خالی می‌کند و لذا ماه رجب را ماه استغفار هم گفته‌اند و ذکر استغفار در این ماه فراوان و به گونه‌های متفاوت تأکید شده است. استغفار نوعی شستشو و تطهیر و پاک کردن دل است.

در پی ماه رجب، به توفیق الهی ماه شعبان را درک می‌کنیم. ماه شعبان به موجب احادیث متعدد ماه پیامبر خاتم رسول گرامی اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است. آن حضرت فرمودند: شعبان ماه من است. لذا ماه شعبان را ماه تحلیه نام نهادند؛ یعنی زیور بستن و زینت کردن.

دوستانی که به سفر حج مشرف شده‌اند، دیده‌اند که روز قبل از عید قربان، کعبه را با گلاب ناب ایران شستشو می‌دهند و معطر می‌کنند. سپس جامه‌ای را که یک سال بر تن کعبه بوده و در اثر باد و باران و تابش آفتاب، زیبایی کامل خود را از دست داده است،

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۵.

پایین می‌آورند و جامه‌ی تازه‌ای بر تن کعبه می‌کنند؛ یعنی کعبه را زینت می‌دهند و زیور می‌بندند. ماه شعبان ماه تخلیه است. سالک الی‌الله که در ماه رجب کعبه‌ی دل خود را به مدد امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ از غیر خدا خالی کرده بود، در ماه شعبان با استمداد از باطن و به قوت ختمیه‌ی سیدالمرسلین، با خُلق نیکوی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زینت می‌بخشد؛ همان خُلقی که قرآن کریم فرمود: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۲: بی‌شک تو بر اخلاق بزرگی سرشته شدی. این گل محمدی گلابش همان اخلاق ناب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است. سالک الی‌الله در ماه شعبان با خلق و خو و روش و آیین و آداب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خانه‌ی دلش را زینت می‌دهد و زیور می‌بندد.

در پی این دو ماه، ماه رمضان فرامی‌رسد که شهرالله و ماه خداست؛ ماه تجلی حضرت حق در کعبه‌ی دل مؤمن و به تعبیری ماه تجلیه است. وقتی کعبه از بت‌ها خالی شد و زیور و زینتی هم به آن تعلق گرفت، به‌واقع خانه‌ی خدا شد. کعبه‌ی دل مؤمن هم این‌گونه است. وقتی سالک، وجودش را از زشتی‌ها و آلودگی‌ها و پلیدی‌ها و تعلقات به ماسوی‌الله خالی کرد و با زیبایی‌های پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زینت داد، دل او خانه‌ی خدا و کعبه‌ی حقیقی می‌شود؛ حضرت حق در چنین دلی تجلی می‌کند و مؤمن به لقاءالله نائل می‌شود.

این سه منزل بزرگ سلوک، یعنی تخلیه و تخلیه و تجلیه یا تخلی و تجلی و نمود و نمادش در این سه ماه بزرگ است که ما در آستانه‌ی آن قرار داریم و امیدواریم خدای متعال عنایت کند و بتوانیم بهره‌ی وافری از این ایام ببریم. می‌دانید که ایام و اوقات این عالم همگی یکسان نیستند؛ گرچه اهل طبیعت یکسان می‌بینند؛ امّا آنان که اهل

۲. سوره‌ی قلم، آیه‌ی ۴.

بصیرتند، اهل دل و اهل برکات باطنی هستند، می‌دانند که از نظر ارزش معنوی، ملکوت عالم در ساعاتی از شبانه‌روز حالتی بسیار استثنائی و فوق‌العاده پیدا می‌کند. ثلث آخر شب، بین‌الطلوعین، و مواقع اذان، ساعات خاصی است یا در آیام هفته، شب و روز جمعه موقعیت بسیار فوق‌العاده‌ای دارد و با روزهای دیگر متفاوت است و در ماه‌های سال نیز جریان همین‌طور است. خدا می‌داند ملکوت این سه ماه، در عالم وجود چه عظمتی دارد. گرچه از دید اهل طبیعت ظاهر این سه ماه با ماه‌های دیگر سال یکسان است و هیچ فرقی نمی‌کند؛ ولی آنان که اهل ادراکات باطنی هستند، عظمت و ارزش این سه ماه را درک می‌کنند و می‌کوشند به لطف الهی بیشترین بهره را از این آیام ببرند.

عبادات زیادی در این سه ماه تأکید شده است؛ فوق‌عاداتی که در سایر ماه‌های سال توصیه شده و وجود دارد. چنانکه می‌دانید عبادت یک شکل ظاهری دارد که همان قواعدی است که در شرع امر شده و عبادت را با آن قواعد باید به‌جا آورد تا صحیح باشد. علاوه بر ظاهر یا احکام عبادی، آدابی هم وجود دارد. آداب عبادت، ادب‌هایی است که آن عبادت اقتضا می‌کند و با آن ادب خاص تکمیل، تزیین، پرعیار و تأثیرگذار می‌شود. کنار هر عبادت واجب یک‌سری مستحبات وجود دارد که اگر همراه عمل واجب انجام پذیرد؛ آن را تمام‌عیارتر، پرمغزتر و مؤثرتر می‌کند. سوم اسرار عبادت است. عباداتی که ما انجام می‌دهیم هر کدام نمادی و اشاره‌ای از یک حقیقت هستند؛ یک مرتبه‌ی نازله و رقیقه‌ای از حقایق بلندی هستند که در عالم وجود دارد. هر نمازی که می‌خوانیم و هر یک از اذکار و حرکات و اعمالی که در نماز انجام می‌دهیم، یک سری دارد و به حقیقت بسیار بلندی

اشاره می‌کند. اگر انسان در هنگام انجام هر عبادت به آن اسرار توجه داشته باشد، آن عبادت او را به اوج قلّه‌های کمال می‌رساند.

در عباداتی که در این سه ماه وجود دارد، هم صورت ظاهری و احکام آنها را می‌شود فراگرفت و هم آداب و تاحدّ امکان اسرار. احکام عبادات واجب را در رساله‌های عملیه و مستحبات را در کتاب‌های اعمال مستحبّی مثل مفاتیح‌الجنان می‌شود آموخت. اما برای آداب عبادات، کتابی است از عارف بزرگ الهی، مرحوم آیت‌الله میرزا جواد ملکی تبریزی رحمته‌الله به نام *المراقبات فی اعمال السنّه* که به زبان عربی تألیف کردند و به زبان فارسی هم چندین بار ترجمه و منتشر شده است. در این اثر ارزشمند اعمالی که سالک الی‌الله در هر کدام از ماه‌های سال باید مراقبت کند و انجام دهد، همراه با معانی و اسرار آنها بیان شده است. به همهی عزیزان توصیه می‌شود در طلّیعی ماه رجب این کتاب را تهیه کنند و سه ماه رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان را به کمک این کتاب طی کنند. به ویژه اگر ادب‌های ماه رجب را قبل از ورود به رجب، مطالعه کنند، حال و هوای خاصی به انسان دست می‌دهد و معنای بسیار زیبا و شیرین و لطیف و عارفانه‌ی هر کدام از اذکار و اعمال و عباداتی را که در این ماه و دو ماه بعد وجود دارد، درمی‌یابد. همچنین تاحدودی انسان را به سرّ آن عبادات و اذکار که در باطن آن عبادات است راهنمایی می‌کند؛ البتّه شرط راهبردن به باطن عبادات، عشق الهی است؛ عاشقانند که اهل سرّند؛ عشق انسان را آشنای به اشارات می‌کند و به اسرار و رموز رهنمون می‌شود. ان‌شاءالله خدای متعال توفیق عبادت عاشقانه را در این سه ماه نصیب همهی دوستان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بفرماید.

طبیعتاً انسانی که عاشق خدای متعال است، در عباداتش دنبال مزد نیست. عبادت گفتگوی عاشقانه و عشق‌ورزی محرمانه با خداست؛ و کدام عاشق به خاطر خلوت کردن با معشوق، از معشوق مزد می‌طلبد؟ خیلی زشت است که معشوق به انسان راه بدهد و انسان با او نرد عشق ببازد، بعد وقتی می‌خواهد از او جدا شود بگوید، ببخشید مزد من که آمدم خدمت شما چقدر می‌شود؟ ما چگونه عاشقیم؟! انسان عاشق در عباداتش مزد نمی‌طلبد؛ اصلاً چه مزدی بزرگتر از اینکه من با معشوقم خلوت کردم و با او راز دل گفتم. مگر چیزی بزرگتر از این وجود دارد تا بخواهند به جای این، آن را به من بدهند؟! لذا خود این توفیق که با خداوند رازونیاز کردیم، بزرگترین مزد است. این خود عطای بزرگی بود که نام خدا را بر زبان جاری کردیم. مگر چیز کوچکی است که با خدای جهان‌آفرین گفتگو کردیم؟ در بعضی از المپیادهای علمی یا مسابقات ورزشی یا رقابت‌های هنری، به کسی که بالاترین رتبه و مدال را در سطح بین‌المللی به دست آورده است، اجازه می‌دهند به ملاقات مقام معظم رهبری یا رئیس‌جمهور برود. مزد همه‌ی تلاش‌های او چنین جایگاه و افتخاری است. وقتی به انسان اجازه‌ی ملاقات خدا و گفتگو و صحبت خصوصی با خدا را می‌دهند، باید از خدا مزد بخواهد؟ چه مزدی بزرگتر از این؟ اهل محبت در عباداتشان دنبال مزد نیستند. چنین عبادتی در این سه ماه شایسته است.

با این وصف ثواب‌هایی که برای اعمال برشمرده‌اند، به چه معنی است؟ در روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام ثواب‌های بسیار حیرت‌انگیزی برای اعمال و عبادات این سه ماه نقل شده است. اهل بیت علیهم‌السلام و اهل محبت برای ثواب عبادت نمی‌کنند؛ اما ثواب‌هایی که خدای متعال برای اعمال قائل شده است، حکایت از این می‌کند که هر عملی نزد خدا

محبوب‌تر بوده، ثواب بیشتری برای آن قائل شده است. اهل محبت هم به این وسیله پی می‌برند که خدای متعال کدام یک از اعمال را بیشتر دوست می‌دارد و کدام عبادت محبوب‌شان را بیشتر خوشحال می‌کند، پس به آن عمل می‌کنند. توجه به یک عبادت برای مزد و ثوابی نیست که خدا در قبال آن می‌دهد؛ برای این است که خدا این عبادت را بیشتر دوست دارد؛ لذا اگر ثواب اعمال هم نقل می‌شود، برای اهل محبت یک شاخص و راهنماست که به آنها نشان می‌دهد در بین اعمال کدام افضل و کدام بیشتر مورد علاقه و محبت خدای متعال است.

البته توجه داشته باشیم که عیبی ندارد کسانی هم برای ثواب، عبادت کنند؛ بالاخره تا رسیدن به آن منزل‌های بسیار بلند، راه بسیار طولانی است و در مراتب پایین‌تر چنین تشویق‌هایی برای مبتدیان لازم است. نکته‌ی دیگر اینکه گاهی برای یک عمل ظاهراً کوچک ثواب بسیار عظیمی بیان کرده‌اند. گاهی اوقات هم ثواب‌های متفاوتی نقل شده است؛ روایت‌های متعدّد داریم که عمل واحدی را در یک روایت صد برابر روایت دیگر برشمرده‌اند. اینجا نباید تصور کرد تعارض و تناقض‌گویی بین روایات وجود دارد؛ بلکه این سطوح مختلف ثواب، ناظر بر خلوص و معرفت و صفای شخص عبادت‌کننده است. برای مثال گفته‌اند کسی که فلان عمل را انجام دهد، ثواب یک حجّ عمره دارد؛ جای دیگر گفته‌اند اگر کسی همین عمل را انجام دهد ثواب ده یا صد یا هزار حجّ عمره دارد. این تناقض نیست؛ نشان‌دهنده‌ی مرتبه‌ی انجام‌دهنده‌ی آن عمل از نظر معرفت و خلوص و صدق و پاکی و تقوایی است که در عمل دارد. از طرف دیگر بزرگی ثواب‌ها ما را به تردید

نیفکند؛ خدای متعال گاهی به خاطر یک عمل کوچک ثواب‌های بسیار عظیمی اعطا می‌کند.

نکته‌ی مهم‌تر، در معنای ثواب است. معنای درست ثواب همان سازندگی عمل در شخص انجام‌دهنده‌ی آن است. وقتی می‌گویند این ذکر را بگویید ثواب یک حجّ عمره دارد، یعنی اگر یک حجّ عمره انجام دهید چه سازندگی‌یی در شما خواهد داشت؟ این ذکر را اگر در این موقعیت و با این خصوصیت بگویید، همان سازندگی و تأثیر را خواهد داشت. اگر معنی درست ثواب را دریابیم، معنی عمل مقبول را هم خواهیم فهمید. وقتی می‌گویند عملی مقبول واقع شد، یعنی مؤثر واقع شد. هر عملی که دستور داده‌اند برای آن است که تأثیری در ما ایجاد کند؛ وقتی عمل آن تأثیر را گذاشت، در روحیات ما، در خلقیات، و در افکار و رفتار ما آن تأثیر سازنده را برجای گذاشت، این عمل مورد قبول قرار گرفت. تأثیر عمل مثل تأثیر دارویی است که به بیمار می‌دهند و می‌گویند این دارو اثر کرد یا به اصطلاح افاقه کرد.

نکته‌ی دیگر اینکه یک سری احادیث تحت عنوان احادیث «من بلغ» وجود دارد که مضمون لطیفی در آنهاست. در این احادیث، ائمه علیهم‌السلام می‌فرمایند اگر عملی را طی روایتی برای شما نقل کردند که مثلاً پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا هریک از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام فرمودند هر کس این عمل را انجام دهد، فلان ثواب بزرگ را دارد، و شما حدیث را باور کردید و به اعتبار اینکه این سخن از ما نقل شده، آن عمل را انجام دادید، حتی اگر آن حدیث، جعلی بوده باشد، بر ما اهل بیت است که همان ثواب را به آن شخص بدهیم. احادیث من بلغ، یعنی کسی که به او حدیثی جعلی از قول اهل بیت علیهم‌السلام

برسد که اگر کسی فلان عمل خیر (البته عمل خیر نه هر عملی) را انجام دهد، چنین ثوابی به او می‌دهیم؛ و او نداند جعلی است و باور کند و عمل نماید. ائمه علیهم‌السلام فرمودند چون این شخص به عشق ما این عمل را انجام می‌دهد و گمان و باورش این است که ما گفتیم چنین پاداشی می‌دهیم، ما همان پاداش را به او خواهیم داد. با این وصف حتی افراد وسواسی و شکاک که ممکن است در مورد ثواب‌های اعمال تردید کنند، باید بدانند حتی اگر احادیث ثواب اعمال مجعول باشند، همین که ما به عشق امامی که این حدیث را از طرف او بیان می‌کنند، عمل خیر را با صدق و صفا انجام دهیم، خدای متعال آن پاداش را به ما عطا خواهد کرد. این برای آدم‌های بسیار شکاک است؛ درحالی که می‌دانیم بسیاری از این احادیث از اتقان و استحکام بالایی برخوردارند و هیچ جای شک نیست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ